آل یاسین سلام الله علیهم اجمعین ـ احمد احمدی
علمی- پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هفدهم، شماره ۶۶ «ویژه قرآن و حدیث»، بهار ۱۳۹۹، ص ۵۶-۷۵

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

آل یاسین سلام الله علیهم اجمعین

احمد احمدی*

چکیده: اختلاف قرائات قرآنی، که موضوع یکی از علوم مهم موجود در جغرافیای اسلام و از جمله مسائل مهم علوم قرآنی به خصوص در قرون اولیه به شمار می‌رفته است، عمدتا از اوایل قرن چهارم هجری، به شکل مدون در فرهنگ عامه مسلمانان در مواردی عدیده، معرکه آراء محققان، و مایه نزاع‌ها و زمینه ابراز تعصبات دینی و فرقه‌ای گردیده است. آیه ۱۳۰ سوره صافات «سلام علی آل یاسین» از جمله این موارد است. این قرائت از آیه شریفه که در قرائت مشهور عام موجود در متن قرآن، به همین صورت مکتوب شده است، در برخی قرائات مشهور دیگر و در احادیث، به شکل «سلام علی آل یاسین» آمده است. نویسنده در این مقاله دیدگاه خاص مولوی را در این خصوص در مثنوی، مورد بررسی قرار داده و همسویی آن را با نظر گروهی از علمای اهل سنت، و نیز قاطبه علمای شیعه پیش چشم خواننده می‌نهد.

کلیدواژه‌ها: قرآن؛ اختلاف قرائت؛ آل یاسین؛ علمای اهل سنت؛ علمای شیعه؛ مولوی؛ مثنوی.

*. عضو هیات علمی دانشگاه تهران

۱. مقدمه

استاد زرین‌کوب در کتاب گرانقدر «سرّ نی» در فصل «مقالات و دلالات» در خصوص آشنایی مولوی با عقاید و آراء مذاهب موجود در جغرافیای اسلام خاطر نشان کرده است:

«از این رو عجیب نیست که از آراء و مقالات فرقه‌هایی مثل شیعه و خوارج که در محیط زندگی و اندیشگی او نقش بارزی نداشته‌اند جز به ندرت یاد نکند و آنچه از آن‌ها می‌گوید نیز حاکی از آشنایی دقیقی با مبادی و عقاید آنها نباشد. در واقع راجع به این دو فرقه که از اقدم مذاهب و فرق اسلامی بوده‌اند آنچه مولانا ذکر می‌کند حاکی از عدم آشنایی عمیق است.» (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۴۵۵)

استاد در ادامه گفتار در تأکید و تقریر این معنی افزوده است:

«همچنین در باب شیعه امامیه هرچند به تعصب آنها بر ضد ابوبکر و عمر اشارت دارد و از رسم تعزیت روز عاشورا بر نزد شیعه حلب با تعریض یاد می‌کند، در سراسر مثنوی هیچ نشانی از آشنایی درست با عقاید و مقالات قوم مشهود نیست و پیداست تکریم چشمگیر و فوق العاده ای که هم در حق امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام دارد و او را از این تهمت که با وجود زهد و بی‌اعتنایی به دنیا حرص میری و خلافت داشته باشد تنزیه می‌نماید حاکی از علاقه مقالات شیعه نیست... به هر حال اظهار این مایه تعظیم و تکریم در حق حضرت البته مبنی بر تولای علی و اهل بیت علیهم‌السلام هست اما حاکی از تایید مقالات شیعه یا انس با آن مقالات نیست. چنانچه در باب ایمان ابوطالب علیه‌السلام برخلاف قول شیعه و با آنکه در بین اهل سنت هم در نفی آن توافق نیست در عدم ایمان وی تأکید دارد و هرچند این را هم متضمن نقصی در مورد حضرت تلقی نمی‌کند باز پیداست که در این مورد با آنچه مورد اعتقاد شیعه است آشنایی و همداستانی ندارد.» (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۴۵۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

بنا بر دیدگاه استاد، آنچه در مثنوی در باب خاندان رسالت علیهم‌السلام می‌آید حاکی از آگاهی عمیق مولوی از عقاید شیعه یا از سر اعتقاد به آنها نیست بلکه می‌توان آن را نوعی از ابراز محبت عام به عترت علیهم‌السلام شمرد که از دلالت آیات و احادیث مشهور در مودت و تولای آنان بر هر فرد مسلمان الزام می‌شود.

از جمله مواردی که مولوی به عنوان یک «عالم سنی حنفی» (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۱/ ۲۰۲- ۲۰۳) و در عین حال بزرگترین سخنگوی تصوف در زبان فارسی نمونه‌ای از این تولای عام را نسبت به آل الله علیهم‌السلام - مصادیق آیه مودت - نشان داده است، قصه «تنها کردن باغبان صوفی و فقیه و علوی را از یکدیگر» (دفتر دوم مثنوی، ابیات ۲۱۶۷ تا ۲۱۱۱) است.

قصه مزبور که در پی داستان «وحی کردن حق تعالی به حضرت موسی علیه‌السلام که چرا به عیادت من نیامدی» (دفتر دوم مثنوی، ابیات ۲۱۵۶ تا ۲۱۶۶) می‌آید و بر این معنی تأکید دارد که جدایی از جماعت چه مایه زیان بار است و مهلک؛ بنا بر نوشته استاد فروزانفر در کتاب مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی از جوامع الحکایات عوفی گرفته شده است.

در ابتدا عین آنچه در جوامع الحکایات آمده، به نقل استاد فروزانفر در کتاب نقل شده می‌بینیم:

«حکایت آورده‌اند که چهار کس را از اصناف مردمان در باغی رفتند و به خوردن میوه مشغول شدند. یکی از آن جمله دانشمندی بود و دیگری را علوی و سوم لشکری و چهارم بازاری. خداوند باغ در آمد و دید که بسیار میوه تلف می‌کردند و مردی زیرک بود. و با خود اندیشید که ایشان چهارکس‌اند و من با هر چهار بر نتوانم آمد. و پس روی به ایشان آورد. اول عالم را گفت که تو مردی دانشمندی و مقتدا و پیشوای مایی و مصالح معاش و معاد ما به برکت اَقدام و حرکت اقلام علما

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

باز بسته است. و آن دیگر سیدی بزرگ است و از خاندان نبوت و ما همه مولای خاندان اوییم و دوستی آن خاندان بر ما واجب است. چنانکه حق تعالی می‌فرماید: قُل لا اسألَکُم عَلَیهِ اَجراً اِلّا المَوَدَّه فِی القُربی (آیه ۲۳ شوری) و آن دگر مردی لشکری است و از ارباب تیغ و خان و مان و جان ما به سبب تیغ ایشان آبادان است. و شما اگر در باغ من درآیید و تمامت میوهٔ من به ناحق بخورید از شما دریغ نبود. ولیکن آن مرد بازاری کیست و به چه وسیلت در باغ من در آید و به کدام فضیلت میوهٔ باغ من تواند خورد؟ پس دست دراز کرد و گریبان وی بگرفت و آن را دستبردی تمام بنمود چنان که از پای در آمد. پس دست و پای او ببست. و روی به لشکری نهاد و گفت من بندهٔ علما و ساداتم و تو ندانسته‌ای که من خراج این رز به سلطان داده ام و او را بیش بر من سبیل نماند. اگر ائمه و سادات به جان من حکم کنند هنوز خود را مقصر می‌دانم اما نگویی که تو کیستی؟ و به چه وسلیت در رز من آمده‌ای؟ او را نیز بگرفت و ادبی تمام بکرد و دست و پای او محکم ببست. آنگاه روی به دانشمند آورد و گفت همه به عالَم، بندگان ساداتند و حرمت نسب ایشان بر همگنان ظاهر. اما تو که دعوی علم کنی و این قدر ندانی که در باغ مردمان بی‌اجازت نشاید رفت؟ آن علم تو را چه مقدار ماند؟ و من و مال من فدای سادات باد. اما هر جاهل که خود را دانشمند خواند و مال مسلمانان را حلال داند او سزای تأدیب و درخور تعذیب باشد. پس او را نیز ادبی بلیغ بکرد و او را مقیّد کرد. پس علوی تنها بماند و روی به وی کرد و گفت ای مدعی نااهل و ای موی دار وافر جهل، نگویی به چه سبب بی‌اجازت من در رز من آمده‌ای و مال ما را باطل کرده‌ای؟ و پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گفته است (نگفته است، ظ) که مال من بر علویان حلال است پس او را نیز ببست. و بدین طریق هر چهار مقید کرد و بهای انگور خود را از ایشان استیفا کرد و به شفاعت ایشان را رها کرد.» (فروزانفر، ۱۳۶۲: ۶۷)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

برای توجه بیشتر به برخی نکات، قصه را به روایت مولوی (دفتر دوم، بیت ۲۲۰۲) و به تلخیص از نگاشته استاد زرین کوب نیز می‌خوانیم:

«باری این باغبان وقتی این سه مرد را در باغ خویش دید با خود اندیشید که هر چند من با خود صد حجت و دلیل دارم اما اینها جمعند و جماعت موجب قدرت آنها و شاید جالب رحمت در حق آنهاست. پس چون یک تنه با سه نفر بر نمی‌آیم باید اول آن‌ها را از همدیگر ببرم و وقتی تنها شدند هر یک را جداگانه سبیلش برکنم.

بنابراین حیله‌ای اندیشیده، روی به صوفی کرد و از او خواست تا برود و از حجره‌ای که در باغ بود گلیمی بیاورد تا رفقایش بر آن نشینند. وقتی صوفی دور شد به آن دو تن دیگر گفت: شما دوتن فقیه و شریف هستید، فقیه فتوا می‌دهد و فتوای اوست که نان ما را حلال می‌کند و اگر بال و پر علم او نباشد پرواز ما ممکن نیست، شریف هم که سید است و از خاندان مصطفاست این صوفی پست شکم‌خواره کیست که با بزرگانی چون شما همنشین باشد؟ اگر وقتی بازگشت مثل پنبه او را از سر وا کنید، آن وقت می‌توانید هفته‌ای با آسودگی در این باغ و راغ من خیمه زنید. با این وسوسه آنها را فریفت، و آنها وقتی صوفی بازگشت هرطور بود عذرش را خواستند. وقتی صوفی سر خود را پیش گرفت باغبان چوبی برداشت و به دنبالش رفت که: ای فلان و فلان این شرط صوفی گریست که بدون اجازه به باغ من در آیی؟ این را جنید و بایزیدت یاد داده‌اند؟ آخر کدام شیخت به این کار اشارت کرده است؟ باری چون صوفی را تنها یافت خوب با چوب خویش فروکوفت و نیم کشته و سرشکافته رهایش کرد. صوفی به زبان حال با رفیقان گفت: که از من گذشت شما مراقب خود باشید که آنچه من خوردم عاقبت، شما را هم خوردنی است. باغبان هم وقتی از کار صوفی فارغ گشت بهانه‌ای دیگر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

جست و روی به علوی کرد که امروز در خانه نان تنک (= رقاق) پخته‌اند، قدمی رنجه دار بردر خانه به خدمتکارم – قیماز – بگو نان تنک با غاز که طبخ شده است به اینجا آورد.

چون علوی را دور کرد روی به فقیه کرد که تو البته فقیهی و درین باب جای شبهه نیس اما این مرد که به خاطر شریفی دعوی سرد می‌کند چکاره است؟ از کجا که مادرش بر خطا نباشد؟ و در دنیایی که انسان بر زنان و عقل ناقص آنها نمی‌تواند اعتماد کند، با این غباوت که دارد این شخص چگونه خود را به علی و نبی علیهما السلام بر می‌بندد بدین گونه مرد که جوهر خبث و بدگوهری خود را در دیگران می‌دید و چون سرش از چرخ به دوار افتاده بود تمام خانه را در دوران بی‌قرار می‌دید، از این تهمت‌ها بر علوی نهاد و چون این افسون‌ها بر فقیه خواند و او را از رفیق جدا کرد دنبال علوی رفت و بانگ زد که ای فلان و فلان چه کسی تو را به این باغ دعوت کرد؟ آیا این است میراثی که از پیغمبر به تو رسیده است؟ "شیر را بچه همی‌ماند بدو / تو به پیغمبر به چه مانی بگو؟"

باری مرد حیله ساز ملتجی کاری کرد که خوارج با آل یاسین (= اهل بیت) علیهم السلام کرده‌اند و گویی کینه‌ای را که دیو و غول با آل رسول دارند، به همان سیرت شمر و یزید از وی بازستاند. وقتی علوی شریف هم مضروب شد باغبان نزد فقیه آمد و گفت عجب فقیهی تو، که مایه ننگ هر سفیه گشتی، آیا فتوا دادنت این است که بدون اجازه به باغ مردم وارد شوی؟

این رخصت را در کتاب وسیط غزالی یا کتاب محیط خوانده‌ای و وقتی شروع به زدن او کرد فقیه گفت حق توست بزن که دستت می‌رسد. چرا اکه این سزای کسی است که از یاران خویش می‌برد.» (زرین کوب، ۱۳۸۹: صفحه ۳۲۶ – ۳۲۷)

تعبیرات باغبان – نتیجه مرتدان (دفتر دوم مثنوی، ابیات ۲۱۹۹) – که البته از زبان مولوی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

و تقریر اوست و نه در مأخذ، چندان بی ادبانه و بلکه گستاخانه است که خود مولوی را وا می‌دارد به هر حال در عکس العملی حاکی از محبت عام نسبت به آل الله علیهم‌السلام تعبیراتی در تکریم و تعظیم خاندان طهارت علیهم‌السلام عرضه کند. (دفتر دوم، ابیات ۲۱۹۵ تا ۲۱۸۹):

چون ز صوفی گشت فارغ باغبان — بک بهانه کرد زان پس جنس آن
کای شریف من برو سوی وثاق — که ز بهر چاشت پختم من رقـاق
بر در خـــــانه بگو قیماز را — تا بیارد آن رقــاق و قـــاز را
چون به ره کردش بگفت ای تیزبین — تو فقیهی ظاهر است این و یقین
او شـــریفی می‌کند دعوی سرد — مادر او را که می‌داند که کرد؟
خویشتن را بر علـــــی و بر نبی — بسته است اندر زمانه بس غبی

(مولوی، ۱۳۷۵: ۲/ ۳۶۷ – ۳۶۸)

آنچه مولوی در ابیات بعدی می‌آورد نشانگر واکنش او به این گستاخی باغبان است - که این گستاخی البته در مأخذ نیست و برآمده از ذهن مولوی است. (دفتر دوم، ابیات ۲۱۹۶ تا ۲۲۰۴):

هر کـــه باشد از زنا و زانیان — این بـــرد ظن در حق ربانیان
هر که برگردد سرش از چرخها — همچو خود گردنده بیند خانه را
آنچه گفت آن باغبان بو الفضول — حال او بُد دور از اولاد رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
گر نبودی او نـتیجه مرتـدان — کی چنین گفتی برای خاندان...
با شـــریف آن کرد مرد ملتجی — که کند با آل یاسیـــن خارجی
تا چه کین دارند دایم دیو و غول — چون یزید و شمر با آل رسول

(مولوی، ۱۳۷۵: ۲/ ۳۶۸)

نخستین نکته‌ای که در پی مطالعه قصه در مأخذ – اگر مأخذ بودن آن را پذیرفته

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

باشیم – آن است که در جوامع الحکایات، تعداد کسانی که وارد باغ شده شروع به خوردن میوه‌ها می‌کنند چهار نفر و به ترتیب: دانشمند، علوی، لشکری، بازاری و در مثنوی سه نفرند به ترتیب: فقیه، علوی، صوفی، که البته هویداست فرد اول و دوم در هردو قصه یکسانند یعنی دانشمند در جوامع الحکایات = فقیه در مثنوی و علوی در جوامع الحکایات = شریف در مثنوی. و نیز واضح است که این نکته اهمیت چندانی ندارد.

نکته دیگر – و البته بسیار مهم – آن است که عوفی در جوامع الحکایات، آنجا که به توصیف فرد دوم، علوی، می‌رسد، با تکریم فراوان و استشهاد به آیهٔ مبارکهٔ مودت (شوری ۲۳) و ذکر آن، بر وجوب دوستی اهل بیت رسالت علیهم‌السلام و اولویت و مولویّت آن خاندان بر همگان تأکید آشکار دارد و به هیچ روی سخنی که نامحترمانه یا گستاخانه باشد به کار نمی‌گیرد ولی مثنوی هیچ گونه اهتمامی‌در اشاره به آیهٔ مذکور و اولویت آل الله علیهم‌السلام نشان نمی‌دهد و از بیان گستاخانه – گرچه از زبان باغبان – ابایی ندارد.

حال می‌پردازیم به موضوع این مقاله:

موضوع این جستار، کاربرد عبارت «آل یاسین» در مثنوی در تعبیر از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است. شارحان همه در توضیح این تعبیر آن را معادل خاندان نبوت علیهم‌السلام ذکر کرده‌اند؛ از جمله نیکلسون در شرح خویش بر مثنوی نوشته است (نیکلسون، ۱۳۸۴: ۲/ ۸۱۰): «آل یاسین در این بیت اشارت است به اهل بیت، یعنی اولاد پیامبر از علی و فاطمه علیهم‌السلام.»

استاد زرین کوب نیز گفتاری در این خصوص چنین نوشته‌اند:

«...اینکه از اهل بیت رسول علیهم‌السلام... به عنوان آل یاسین یاد می‌کند، در این طرز تعبیر با آنچه مخصوصاً در نزد شیعه رایج و شایع است توافق دارد از آن روست

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

که در نزد اهل سنت هم «یس» در قرآن کریم (۱/۳۶) از جمله نام‌هایی است که خداوند پیغمبر خود را در قرآن بدان نام‌ها مخاطب کرده است.» (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۴۵۵/۱)

استاد در تعلیقات مربوط به این بخش نیز یک نمونه از تفسیر کشف الاسرار، دال بر این معنی آورده و نیز برای ارائه واقعیت‌هایی بیشتر در این باب به کتاب «الشفا بتعریف حقوق المصطفی صلی الله علیه و آله و سلّم» ارجاع داده‌اند. (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۸۴۶/۲)

پیش از ورود تفصیلی‌تر به بحث باید خاطر نشان کنیم تعبیر «آل یاسین» در تسمیه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام پیش از مولوی در شعر تأثیرگذارترین شاعران صوفی نشان بر مولوی، یعنی سنایی و عطار، به کار رفته است.

از جمله: حدیقه سنایی در توصیف مولا امیر المؤمنین علیه‌السلام:

آل یاسین شرف بدو دیده ایزد او را به علم بگزیده (سنایی، ۱۳۷۴: ۲۴۷)

و نیز:

شرف شرع و قاضی دین او صدف درّ **آل یاسین** او (سنایی، ۱۳۷۴: ۲۴۸)

و همچنین در وصف کربلا و واقعه جانگداز عاشورا:

آل یاسین بداده یکسر جان عاجز و خوار و بی‌کس و عطشان (سنایی، ۱۳۷۴: ۲۷۰)

سنایی در قصیده جوابیه سنجر سلجوقی در باب مذهب حکیم سنایی هم در بیت پیش از مقطع می‌سراید:

بندگی کن **آل یاسین** را به جان تا روز حشر
همچو بی دینان نبایدروی اصفر داشتن

عطار نیز در بیت ۶۰۸ «مصیبت‌نامه» در وصف حضرت امیر المومنین علیه‌السلام از این تعبیر بهره گرفته است:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

او چو قلب آل یاسین آمده قلب قرآن یا و سین زین آمده (عطار، ۱۳۸۶: ۱۴۴)

۲. آل یاسین علیهم‌السلام در آیینه قرآن و حدیث:

۲-۱ سنت عامه

۲-۱-۱ قرائت‌های هفتگانه:

«التیسیر فی القرائات السبع» از معروف‌ترین و معتبرترین کتاب تدوین شده در عرصه «قرائت‌های هفتگانه» است.

مؤلف این اثر حافظ ابو عمر و عثمان بن سعید دانی اموی قرطبی از پیشوایان بزرگ علم قرائت است که دارای ۱۲۰ تألیف بوده اما مهمترین اثر وی همین کتاب است که از صحیح ترین کتب تالیف شده در ضبط قرائات قرآن به شمار رفته است. (عثمان بن السعید الدانی، ۱۴۰۶: ۴)

شهرت و دقت کتاب التیسیر موجب شد تا ابو محمد شاطبی (م. ۵۹۰) از عالمان قرن ششم این کتاب را تحت عنوان «منظومه شاطبی» به نظم در آورد. کتاب «حرزالامانی و وجه التهانی یا شاطبیه» قصیده‌ای است لامیه در علم قرائت و تجوید که در اصل همان «التیسیر» است که به نظم در آمده و ۱۱۷۳ بیت دارد.

این منظومه خود، به لحاظ شهرت فراوان - چه از جهت اصل و چه نظم آن - شروح متعددی در پی داشته که معروف ترین آنها «کنز المعانی» برهان الدین ابراهیم جعبری (م. ۷۳۲) است.

در فصل بیست و ششم کتاب التیسیر با عنوان «روش قاریان هفتگانه در فرش الحروف» ذیل فرش الحروف «سوره صافات» و تحت آیه ۱۳۰ می‌خوانیم:

«نافع و ابن عامر «علی آل یاسین» منفصلا مثل «آل محمد» و الباقون بکسره الهمزة و اسکان اللام متصلا» (عثمان بن السعید الدانی، ۱۴۰۶: ۱۸۷)

شیخ طبرسی نیز در مجمع البیان می‌نویسد:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

قرأ ابن عامر و نافع و اویس عن یعقوب «آل یاسین» (طبرسی، ۱۴۲۵: ۸/ ۴۵۶)

و چنان که علامه مجلسی در بحار می‌نویسد:

«و قال امامهم الرازی فی تفسیره الکبیر فی تفسیر هذه الآیه الکریمه:

قرأ نافع و ابن عامر و یعقوب «آل یاسین» علی اضافه لفظ «آل» الی لفظ «یاسین» و الباقون بکسر الالف و جزم اللام موصوله بیاسین...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۱/۲۳)

موارد فوق نشان می‌دهد که دو تن از هفت تن قاریان هفتگانه و یک تن از قرّاء دهگانه، آیهٔ ۱۳۰ سوره مبارکه صافات را «سلام علی آل یاسین» خوانده‌اند.

۲-۱-۲. اخبار و روایات:

۱-۲-۱-۲. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازله فی اهل البیت صلوات الله و سلامه علیهم

تألیف الحافظ الکبیر عبیدالله بن عبدالله بن احمد المعروف بالحاکم الحسکانی الحنفی النیسابوری از اعلام عامه (اهل سنت) در قرن پنجم هجری

حاکم حسکانی شهرت و اعتبار خود را بیشتر مدیون اثر دیگر خویش است تحت عنوان «المستدرک علی الصحیحین» که معروف‌ترین «مستدرک» در علم حدیث عامه است که بر دو کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم نوشته شده است.

وی در شواهد التنزیل ذیل آیه شریفه ۱۳۰ از سوره مبارکه صافّات می‌نویسد:

«سلام علی «آل یاسین» و هو قراءة نافع و ابن عام و رویش و شبیه»

۷۹۱- اخبرنی ابوبکر المعمّری... عن ابن عباس فی قوله: «**سلام علی آل یاسین» قال: علی آل محمد (صلوات الله علیهم).**

۷۹۲- حدثنی ابو حازم... و اخبرنی ابوالقاسم الفارسی... عن ابن عباس فی قوله تعالی: «سلام علی آل یاسین» قال: هم آل محمد صلوات الله علیهم.

۷۹۳- حدثنا ابو جعفر املاء فی المجلس (الثانی) و السّبعین... عن الصادق عن ابیه عن آبائه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

عن علی علیه و علیهم السلام فی قوله: «سلام علی آل یاسین» قال: یاسین محمد صلی الله علیه و آله و سلم و نحن آل یاسین.

۷۹۴- فرات قال: «حدثنی... عن سلیم بن قیس العامری قال: سمعت علیّا علیه السلام یقول: رسول الله یاسین و نحن آله.»

۷۹۵- اخبرونا عن أبی الخزاعی... عن ابن عباس فی قوله: «و انّ الیاس لمن المرسلین - الی قوله: «سلام علی آل یاسین» یقول: سلام علی آل محمد علیهم السلام.»

۷۹۶- اخبرنا عقیل بن الحسین... اخبرنا سفیان الثوری عن منصور عن مجاهد «عن عبدالله بن عباس فی قول الله تعالی: «سلام علی آل یاسین» یعنی آل محمد و یاسین بالسرّیانیه: یا انسان یا محمد.»

۷۹۷- اخبرنا ابو عبدالله الشیرازی... عن السدّی عن ابی مالک فی قوله: «سلام علی آل یاسین» (قال) هو محمد و آله اهل بیته صلی الله علیه و آله.» (الحسکانی،۱۳۹۳: ۱۱۲/۲- ۱۰۹)

بدین ترتیب این عالم محدث شهیر عامه، با آوردن هفت روایت و تأکید بر قرائت چند تن از قرّاء معروف، آیه یاد شده را «سلام علی آل یاسین» می‌خواند.

۲-۲-۱-۲. الصواعق المحرقه فی الردعلی اهل البدع و الزندقه

تألیف احمد بن حجر الهیتمی‌الملکی (۹۷۴-۸۹۹)

در این کتاب که از دیدگاه مؤلف در رد عقاید شیعه و تشیع است، دست بر قضا، نکته‌های مهم قابل استناد برای اثبات حقانیت شیعه و تشیع، فراوان یافت می‌شود و این خود از شگفتی‌های دهر است.

ابن حجر در باب یازدهم از کتاب خویش - که متضمن فضائل آل الله علیهم السلام است- در فصل نخست، چهارده آیه از آیات مشهور در فضیلت اهل بیت علیهم السلام ذکر کرده است.

سومین آیه از آیات مزبور، آیه شریفه مورد بحث یعنی آیه ۱۳۰ صافّات است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

وی در این خصوص می‌نویسد: «الآیه الثالثه قوله تعالی: «سلام علی آل یاسین» فقد نقل جماعة من المفسرین عن ابن عباس رضی الله عنهما ان المراد بذلک «سلام علی آل محمد» و کذا قاله الکلبی.» (الهیتمی‌الملکی، ۱۴۸)

وی در ادامه گفتار خود سخن فخر رازی را نیز شاهد بر کلام خویش می‌آورد و می‌نویسد:

و ذکر الفخر الرازی أن اهل بیته صلی الله علیه و [آله] سلّم یساوونه فی خمسة اشیاء: فی السلام. قال: السلام علیک ایها النبی و قال: سلام علی آل یاسین و فی الصلاة علیه و علیهم فی التشهد و فی الطهارة قال تعالی: طه أی یا طاهر و قال: و یطهرکم تطهیرا و فی تحریم الصدقة و فی المحبة. قال تعالی: فاتبعونی یحببکم الله و قال: لا اسألکم علیه اجرا الا المودة فی القربی. (الهیتمی‌الملکی، ۱۴۹)

۳-۲-۱-۲. کتاب احقاق الحق

در کتاب احقاق الحق مصحح و محقق محترم کتاب در پاورقی، افراد مشهوری از علمای عامه را فهرست کرده است که مراد از «آل یاسین» را همان «آل محمد علیهم‌السلام» دانسته‌اند بخشی از آن را ذیلا پیش چشم می‌نهیم:

«...رواه جمع من فطاحل القوم و نحن نکتفی بسرد اسماء من وقفنا علیه فنقول:

- منهم العلامة ابو عبدالله محمد بن احمد الانصاری القرطبی المتوفی سنة ۶۷۱

قال فی تفسیره المشهور (الجامع الاحکام القرآن، جلد ۱۵ صفحه ۱۱۹، طبع القاهره ۱۳۵۷ه):

«أنَّ المراد من آیه الشریفه آل محمد سلام الله علیهم اجمعین.»

- منهم العلامة فخر الدین رازی فی تفسیره (جلد ۲۶، صفحه ۱۶۲، طبع البهیه بمصر)

أورد القول بأن «المراد من آل یاسین آل محمد علیهم‌السلام»

- و منهم ابی حیان الاندلسی المتوفی سنة ۷۵۴

أورد فی شأن نزول الآیة الشریفة أنّه:

و قیل: «یاسین هو اسم محمد صلی الله علیه (و آله) و سلّم»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

(البحر المحیط، جلد ۷ ، صفحه ۳۷۳ ، مطبعه السعاده بمصر)

- و منهم العلامة الحافظ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر القرشی الدمشقی المتوفی سنة ۷۷۴ قال فی تفسیره المشهور (جلد ۴، صفحه ۲۰ ، مطبعه مصطفی محمد بمصر)

«یعنی آل محمد صلی الله علیه (و آله) و سلّم.»

- و منهم العلامه السیوطی فی الدر المنثور (جلد ۵، صفحه ۲۸۶، طبع مصر):

أخرج ابن ابی حاتم والطبرانی و ابن مردویه عن ابن عباس رضی الله عنه فی قوله «سلام علی آل یاسین» قال نحن آل محمد و آل یاسین.» (الحسینی المرعشی، ۴۴۹/۳)

محقق محترم کتاب یاد شده علاوه بر علمای فوق، پنج تن دیگر از دانشمندان عامه را نیز به همین ترتیب فهرست کرده است که جهت اختصار از ذکر آنها چشم می‌پوشیم.

۳. احادیث اهل بیت علیهم‌السلام

۱-۳. معانی الاخبار از شیخ صدوق

مؤلف، که از اساطین حدیث و فقه شیعه است، در باب معنی آل یاسین، پنج روایت ذکر می‌کند:

۱. حدثنا عبدالله بن عبدالوهاب... عن الکلبی عن أبی صالح ابن عباس فی قوله عزوجل: «سلام علی آل یاسین قال: السلام من رب العالمین علی محمد و آله صلی الله علیه و علیهم والسلامه لمن تولاهم فی القیامة.»

۲. حدثنا محمد بن اسحاق الطالقانی... قال حدثنی کادح عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه عن آبائه عن علی علیهم السلام فی قوله عزوجل: «سلام علی آل یاسین قال: یاسین محمد صلی الله علیه و آله و نحن آل یاسین.»

۳. حدثنا محمد بن ابراهیم بن اسحاق... عن أبی مالک فی قوله عزوجل: «سلام علی آل یاسین قال یاسین محمد صلی الله علیه و آله و نحن آل یاسین.»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

۴. حدثنا أبی رحمه الله... عن أبی صالح عن ابن عباس فی قوله عزوجل: «سلام علی آل یاسین قال: آل محمد علیهم السلام.»

۵. حدثنا محمد بن ابراهیم بن اسحاق الطالقانی... عن أبی عبدالرحمن السلمی: «أن عمر بن خطاب کان یقرا: سلام علی آل یاسین قال ابو عبدالرحمن السلمی: آل یاسین آل محمد علیهم السلام.»

۲-۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام از شیخ صدوق

شیخ صدوق در این کتاب در باب ذکر «مجلس الرضا علیه السلام مع المأمون فی الفرق بین العترة والأمة» مناظره‌ای مفصل را ذکر کرده است که در حضور مأمون، بین حضرت ثامن الحجج علیه و علیهم السلام و برخی علمای عامه در آن روزگار واقع شده که البته در این مناظره طرف گفتار حضرت، بیشتر خود مأمون است.

حضرت در این گفتار در خصوص «اصطفاء» در قرآن، دوازده آیه را ذکر می‌فرماید که مصداق و مقصود از آنها صرفا عترت نبوی و آل محمد علیهم السلام است.

هفتمین آیه‌ای که در این طراز عرضه شده آیه صلوات (احزاب-۵۶) است.

متن این حدیث چنین است: «و اما الآیة السابعة فقول الله عزوجل: ان الله و ملائکته یصلّون علی النبی یا أیها الذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیما» (شیخ صدوق، ۱۳۷۲: ۴۸۵)

قالوا یا رسول الله قد عرفنا التسلیم علیک و کیف نصلی علیک؟ فقال: تقولون: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد کمال صلّیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید.

پس از این بخش از کلام حضرت، ایشان از علمای حاضر می‌پرسند که آیا در این سخن که گفتم اختلافی هست؟ همه می‌گویند: خیر.

مأمون با زیرکی می‌پرسد که در این سخن شما هیچ اختلافی نیست و امت بر آن اجماع دارند، ولی آیا درباره «آل» آشکارتر از این کلام، در قرآن چیزی دیده می‌شود؟

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

حضرت در پاسخ می‌فرماید: «فقال ابوالحسن علیه السلام: نعم، أخبرونی عن قول الله عزوجل: «یس والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم» فمن عنی بقوله یس؟ قالت العلماء: یس محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم لم یشک منه أحد. قال ابوالحسن علیه السلام: قال الله عزوجل أعطی محمدا و آل محمد من ذلک فضلا لا یبلغ احد کنه وصفه الا من عقله و ذلک ان الله عزوجل لم یسلم علی احد الا علی الانبیاء صلوات الله علیهم فقال تبارک و تعالی: «سلام علی نوح فی العالمین» و قال: «سلام علی ابراهیم» و قال: «سلام علی موسی وهارون» و لم یقل: سلام علی آل نوح و لم یقل: سلام علی آل ابراهیم و لاقال: سلام علی آل موسی وهارون، و **قال عزوجل: سلام علی آل یاسین یعنی آل محمد صلوات الله علیهم**. فقال المأمون: لقد علمت أن فی معدن النبوة شرح هذا و بیانه.» (صدوق، ۱۳۷۲: ۴۸۶- ۴۸۷)

۳-۳. أمالی از شیخ صدوق

شیخ المحدثین جناب صدوق، عین روایت مذکور در عیون اخبار الرضا علیه السلام را در «مجلس هفتاد و نهم از امالی خویش» که تاریخ جمعه سلخ جمادی الآخرة سال ۳۶۸ هجری در نیشابور ایراد کرده است به همان طریق روایی آورده است. (صدوق، ۱۳۶۲: ۵۳۰)

۴-۳. تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی

مؤلف این تفسیر روایی از اعلام شیعه در غیبت صغری و از محدثان بنام آن عصر بوده است. وی در کتاب خویش ذیل آیه شریفه ۱۳۰ از سوره مبارکه صافّات، دو روایت در این باب آورده است:

«۴۸۵- ...حدثنی عبید بن کثیر معنعنا عن ابن عباس رضی الله عنه **فی قوله تعالی «سلام علی آل یاسین» قال: «هم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم.»**

۴۸۶ - ...حدثنی احمد ابن احسین... عن سلیم بن قیس العامری قال: **سمعت علیّا علیه السلام یقول: رسول الله یاسین و نحن آله.»** (فرات بن ابراهیم الکوفی،۱۴۱۰: ۳۵۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

البته محقق و مصحح این تفسیردر پاورقی منابع متعدد دیگری از خاصّه و عامّه آورده که همین معنا را در روایات خود نشان داده‌اند.

۵-۳. تفسیر القمی‌از أبی الحسین علی بن ابراهیم القمی(م. ۳۲۹)

مؤلف کتاب از مشایخ بزرگ حدیث و از مشایخ شیخ کلینی است و به کثرت تألیف و فزونی دانش شهرت دارد. (معرفت، ۱۳۸۰: ۱۸۳/۳)

در این تفسیر ذیل آیه ۱۳۰ سورهٔ مبارکهٔ صافات می‌نویسد:

«... ثم ذکر عزوجل آل محمد علیهم السلام فقال: «و ترکنا فی الآخرین سلام علی آل یاسین» فقال علیه السلام: یس محمد و آل محمد الائمه علیهم السلام.» (ابوالحسن علی بن ابراهیم القمی، ۱۳۸۷: ۲۲۶/۲)

«البته این تفسیر، پیش از این کلام، ذیل آیه نخست سورهٔ یس، از قول امام صادق علیه‌السلام آورده است: یاسین اسم رسول الله صلی الله علیه و آله و الدلیل علیه قوله: «انک لمن المرسلین.» (ابوالحسن علی بن ابراهیم القمی، ۱۳۸۷: ۲۱۱/۲)

۶-۳. الاحتجاج

مؤلف این کتاب شریف، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی یکی از دانشمندان معروف و مورد اعتماد شیعه در قرن ۶ و استاد ابن شهرآشوب عالم معروف شیعی است.

این کتاب از کتب معتبری است که علمای اعلام برآن اعتماد کرده‌اند و مؤلف آن، چنان که در مقدمه آن تصریح کرده است سند اکثر روایات را به خاطر وجود اجماع بر آن یا موافقت آن با دلیل عقلی و یا اشتهار آن در سیره‌ها و کتب مخالف و موافق، نیاورده است که بدین ترتیب روایات آن، در علم حدیث، عنوان مرسل می‌یابد. همچنان که اهل تحقیق تأکید کرده‌اند ارسال در روایات آن، غیر از اعتبار نداشتن اصل کتاب است و در اعتبار کتاب و مؤلف آن هیچ شبهه و اختلافی نیست.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

طبرسی در احتجاج ، هنگام نقل زیارت معروف به آل یاسین روایت کرده است که در توقیع شریف حضرت صاحب الامر سلام علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین فرموده‌اند): «...اذا اردتم التوجه بنا الی الله و الینا فقولوا کما قال الله تعالی: سلام علی آل یاسین...» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۹۲/۲، ۴۹۵)

۷-۳. بحار الانوار

علامه مجلسی رضوان الله علیه در جلد ۲۳ بحار در بخش ابواب الآیات النازله فیهم علیهم السلام بابی دارد با این عنوان باب انّ آل یس آل محمد صلی الله علیه و آله.

در این باب ایشان ۱۲ روایت، تماما از منابع شیعی در این خصوص نقل کرده است که تقریباً مجموعه آنها را در بخش‌های پیشین آوردیم.

در روایت دوازدهم، وی ضمن نقل کلام نسبتاً مفصل مرحوم قاضی نورالله شوشتری در باب آیه مزبور، از مجمع البیان شیخ طبرسی و از تفسیر فخر رازی و تفسیر بیضاوی نیز مطالبی در قرائت آیه آورده و در پایان می‌نویسد: «اقول: فظهر اتفاق الکل علی القراءة و الروایة لکن بعضهم حملتهم العصبیه علی عدّ هذ الاحتمال مع مطابقه لروایاتهم مرجوحا.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/ ۱۷۱)

«می‌گویم: پس آشکار شد که همگان بر قرائت آیه و روایت ذیل آن اتفاق نظر دارند اما تعصب، برخی از آنان را واداشته که با وجود مطابقت روایات با قرائت «آل یاسین» این احتمال را ضعیف نشان دهند.»

بنا بر همه آنچه از منابع فریقین، شیعه و سنی، نقل شد، قرائت «آل یاسین» در آیه ۱۳۰ سوره صافّات و انطباق آن بر خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام، عقیده‌ای رایج و ثابت در میان تمامی عالمان شیعه و گروه زیادی از عالمان سنی است.

بدین ترتیب می‌توان گفت تعبیر «آل یاسین» و تعیین مصادیق آن در ابیات مثنوی، نشانگر آن است که مولوی در زمره آن دسته از دانشوران عامه (اهل سنت) است

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

که بنا به منابع معتبر خودشان، در این خصوص، عقیده‌ای مطابق با واقعیت آن در تفکر شیعی، دارند.

منابع

- قرآن کریم
- ابوالقاسم فرات بن ابراهیم الکوفی(۱۴۱۰ ق.– ۱۹۹۰ م.) *تفسیر فرات الکوفی*، تحقیق محمد الکاظم، مؤسسه الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة والارشاد الاسلامی.
- جلال الدین محمد بلخی رومی(۱۳۷۵)، *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولد الین نیکلسون، چاپ اول، تهران، انتشارات توس.
- الحسکانی الحافظ الحاکم (۱۳۹۳ق.–۱۹۷۴م.)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البیت صلوات الله و سلامه علیهم، حققه و علق الشیخ محمد باقر المحمودی، الطبعة الاولی، بیروت، موسسة الاعلمی‌للمطبوعات.
- الحسینی المرعشی التستری، قاضی السید نور الله،(بی تا) *احقاق الحق و ازهاق الباطل*، مع تعلیقات نفیسةهامّة للعلامة السید شهاب الدین حسینی المرعشی، قم، مکتبة آیت الله مرعشی.
- الدانی، عثمان بن السعید (۱۴۰۶ق. / ۱۹۸۵م.)، *التیسیر فی القرائات السبع*، الطبعةالثالثة، بیروت، دارالکتب العربی.
- زرین کوب، عبد الحسین(۱۳۸۶)، *سرّ نی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی.
- زرین کوب، عبدالحسین(۱۳۸۹)، *نردبان شکسته*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی.
- سنایی(۱۳۷۴)، حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة، تصحیح مدرس رضوی، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
- شیخ صدوق(۱۳۶۲)، *امالی*، مقدمه و ترجمه آیه الله کمره‌ای، چاپ چهارم، کتابخانه اسلامیه.
- شیخ صدوق(۱۳۷۲)، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ترجمه حمیدرضا مستقید و علی اکبر غفاری، چاپ اول، نشر صدوق.
- شیخ صدوق(۱۳۷۹)، *معانی الاخبار*،تصحیح علی اکبر الغفاری، چاپ اول، تهران، مکتبه الصدوق.
- الطبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب(۱۴۰۳ق.)، *الاحتجاج*، تعلیقات و ملاحظات السید محمد باقر الموسوی الخراسان.
- الطبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، (۱۳۸۳ش./ ۱۴۲۵ق)، مجمع البیان الطبعةالسابعه، تهران، ناصرخسرو.
- فروزانفر، بدیع الزمان(۱۳۶۲)، *مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]

- القمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*(۱۳۸۷ ق.)، (من اعلام القرنین ۳ و ۴)، صححه و علق علیه و قدم له السید طیب الموسوی الجزائری، النجف، منشورات مکتبة المهدی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی(۱۴۰۳ق.)، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- معرفت، محمدهادی(۱۳۸۰)، *تفسیر و مفسران*، ترجمه علی خیاط، چاپ اول، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید.
- *مصیبت نامه*، (۱۳۸۶)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات شفیعی محمدرضا کدکنی، تهران، سخن.
- نیکلسون، رینولد الین(۱۳۸۴)، *مثنوی معنوی مولوی(شرح مثنوی)*، ترجمه و تعلیق از حسن لاهوتی، چاپ سوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- الهیتمی‌الملکی، احمد بن حجر (بی‌تا)، الصواعق المحرقه فی الرد علی اهل البدع و الزندقة، خرج احادیثه و علق حواشیه و قدم له عبدالوهاب عبداللطیف، مکتبه القاهره.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.66.4.1]